

من وقتی به بالا برده شوم ، همه  
را به سوی خود خواهم کشانند



امروز شنیدن راجع به پسری که می‌خواهد خانه را ترک کند و از پدر سهم خویش را خواسته است ، امریست بسیار عادی . شاید زمانی شنیدن و دیدن چنین صحنه‌ای اسباب نه تنها غم ، بلکه حیرت بسیار بود . امروز دیگر فقط قسمت اول آن مرسوم است یعنی دیدن غم خانواده . عده‌ای را هم دچار حسرت گذشته می‌کند : حیف از آن ایام که ...

لوقا هم در باب پانزدهم انجیل خود از چنین واقعه‌ای روایت کرده است . البته سبک انتقال حقایق در قالب امثال و یا روایات در ظاهر بسیار ساده ، به شنونده این امکان را می‌داد که در ذهن خویش جای خود را در کادر داستان بیابد و حقایقی از خود کشف کند .

مردی بود که دو پسر داشت . پسر کوچک به پدر گفت : پدر ، سهم مرا از دارائی خودت به من بده ! جوانی که در این روایت با آن روپرو می‌شویم ، شخص گستاخی است که ادعای چیزهای را دارد که هنوز متعلق به او نیست . اتفاقاً در آن زمان چنین عملی از فرزندی ، جرم محسوب می‌شد و محکومیتی به همراه داشت . اما یک پدر ، ارتباط خود با فرزند خویش را از روی قوانین نمی‌سنجد و اگر متوجه انحرافی در رفتار و یا فکر فرزندش شود ، پی هر چاره‌ای می‌رود به غیر از قوانین و مقررات حاکم بر جامع پس پدر دارایی خود را بین آن دو تقسیم کرد . چند روز بعد پسر کوچک تمام سهم خود را به پول نقد

این بزرگتر نیست که کسی جان خود را فدای دوستان خود کند» و اگر به باب ۱۰ آیه ۱۱ همان انجیل مراجعه کنیم اینطور می خوانیم: «من شبان نیکو هستم، شبان نیکو جان خود را برای گوسفندان فدا می سازد». با توجه به آیات فوق می فهمیم که مرگ مسیح بر روی صلیب نشانه کامل محبت او برای کل بشریت بود. تنها انگیزه مرگش، عشق او به انسان بود، تا اینکه هر انسان از طریق ایمان، فیض نجات و زندگی جاویدان را داشته باشد. چون مرگ مسیح محبت او را به همه جهانیان ثابت کرد بدین دلیل به رستاخیز وی نیز منجر گردید یعنی به بالا بردن او تزد پدر آسمانی اش تا در شکوه و جلال او شریک باشد در انتظار آن روزی که همه ما را به سوی او بکشد. بنا به توضیح بالا عنوان این مقاله که باب ۱۲ آیه ۳۲ انجیل یوحنا می باشد، هم به مصلوب شدن عیسی و مرگ او بر صلیب و همچنین به رستاخیز و صعود او تزد پدر آسمانی اشاره می کند. در اینجا باید به یک اصل بسیار مهم زندگی ما مسیحیان توجه کرد و آن اصل این است: هرکاری که حتی کوچک هم باشد ولی از روی محبت و انسان دوستی انجام شود دارای یک بعد جاودانی می باشد یعنی هرگز از بین نمی رود بلکه میوه هایش برای همیشه باقی می ماند. اما رمز فناناپذیر بودن کارهای محبت آمیز در راز خدا نهفته است خدائیکه بر طبق مکاشفه انجیل مقدس «محبت است» و چنانکه محبت است آنجا مرگ ابدی هم نیست بلکه پری زندگی و حیات جاودانی حاکم است. یوحنای رسول با سخنانی بسیار زیبا و دلپذیر محبت خدا را اینطور توصیف می کند: «ای عزیزان، ما باید یکدیگر را دوست بداریم، زیرا دوستی و محبت از جانب خداست. هرکه محبت دارد فرزند خداست و خدا را می شناسد. اما آنکه محبت ندارد از خدا کاملاً پی خیز است. زیرا خدا محبت است» (رساله اول یوحنا باب ۴ آیه ۷ و ۸)